

پیوندهای فرهنگی و نگاه نو به روابط فرهنگی

بعضی سوء تفاهم‌ها و پندارهای واهی موجب این غیبت یا بی‌اعتنایی و بی‌لطفی شده باشد. مع‌هذا بعضی روزنامه‌ها از راه لطف خبر مراسم را درج کردند. از همین گوشه چشمی که به این ناچیز انداخته متشکریم. من اکنون در وضع و سن و سالی نیستم که آمدن یا نیامدن نامم در روزنامه و مجله خوشحال یا ناراحت‌کننده کند. درد من درد کلی است. روزنامه‌ها شاهد زمانه‌اند و من که دانشجوی فلسفه‌ام باید مترصد و نگران باشم که ملاک توجه آنها به امور و حکمی که در باب حوادث می‌کنند چیست. اگر نیمی از آنچه در مجلس انجمن مفاخر در حقیقت من گفته شد، راست باشد، روزنامه‌هایی که خبر شعرخوانی در روستای قرقیزآباد را به حکم علاقه به ادب و فرهنگ می‌آورند، می‌توانستند به احترام مردانی که به دانش و فلسفه و ادب شهره‌اند و کسی از آنها سخن گزاف شنیده است و در مجلس مذکور در حقیقت من لطف‌های بسیار کردند، نگاهی به آن مجلس بیندازند ولی چه کنم. قسمت من این است که اگر نامم در فهرستی بیاید حروفچین آن را طور دیگر بخواند و نام دیگر بنویسد و حتی پژوهندگان دقیق و فاضل در فهرست قسطوری که از مجلات فارسی فراهم آورده‌اند نام مجله «نامه فرهنگ» را که پانزده سال منتشر شده است، از قلم بیندازند. از این شکوه و گله‌گزاری عذر می‌خواهم. امتنان من هزار بار از این گله‌گزاری‌ها پیش‌تر است. برای من مایه مباهات بود که نخبگان اهل نظر از سر صدق و صفا و با زبان بی‌تکلف و صریح و بدون ریاکارانه زندگی مرا با لطف خود امضاء و مزین کردند.



تمدن‌های بزرگ جهان به‌ویژه تمدن‌های آسیایی همواره مورد تجلیل اندیشمندان و در برخی موارد مورد استفاده ابزاری تحلیل‌گران حوزه تاریخ، سیاست و فرهنگ بوده است. برخلاف محدودیت تعداد تمدن‌ها، فرهنگ‌ها از تنوع گسترده‌ای برخوردارند، هرچند که در جمع‌بندی کلی، هر یک از فرهنگ‌ها زیرمجموعه یک حوزه تمدنی به شمار می‌آیند. به عنوان مثال در حوزه تمدن چین با فرهنگ‌های متنوع در منطقه آسیای جنوب شرقی مواجه هستیم. در حوزه تمدن ایران نیز با گستره‌ای از فرهنگ‌های موجود قلات ایران مواجه می‌شویم. در هر یک از فرهنگ‌های موجود در منطقه آسیا و یا خارج از آسیا می‌توان رنگ و ریشه‌ای از دیگر فرهنگ‌ها در زبان، آداب و رسوم و سنت‌ها و اعتقادات مردم پیدا کرد. به عبارت دیگر، می‌توان با نگاهی به تاریخ فرهنگ‌ها دریافت که هیچ فرهنگی بدون استفاده از دیگر فرهنگ‌ها نتوانسته به حیات خود ادامه دهد.

در جهان امروز هرچند که مبادلات تجاری، رسانه‌ای، الکترونیکی و غیره امکان ایجاد ارتباط بین آحاد و ساکنان کره زمین فراهم آورده اما وقوع جنگ‌ها، اختلاف‌های نژادی و غیره نشان از جدایی با وجود ارتباطات گسترده دارد.

شاید بتوان به جرأت ادعا کرد که تمدن ایرانی از آغاز تاکنون هیچگاه تهاجمی عمل نکرده بلکه به دفعات مورد حمله مغولان، تازیان، و بالاخره صدامیان بوده است. تأثیر چنین سابقه‌ای موجب اعتماد فرهنگ‌های مختلف به فرهنگ ایرانی به عنوان یکی از شاخصه‌های مؤثر در پیوندهای فرهنگی شده است. ناگفته نماند که اکتفا به چند سطر درباره پیوندهای فرهنگی نمی‌تواند نقش پیوندهای فرهنگی را در فرآیندهای مختلف تشریح کند. به همین لحاظ معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با تشکیل میزگردی با عنوان «قرآن و پیوندهای فرهنگی» با حضور اندیشمندانی چون استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، استاد کامران فانی و استاد حجت‌الاسلام طارمی در تلاش برای بررسی پیوندهای فرهنگی در ارتباط با قرآن کریم گام برداشت. این میزگرد در محل سالن کنفرانس ساختمان فجر، در خیابان فجر، در ماه مبارک رمضان برگزار شد.

در ابتدای این میزگرد آقای محمدعلی شماعی معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت «انتخاب ماه مبارک رمضان و قرآن برای نقطه آغاز بررسی پیوندهای فرهنگی، یک اتفاق نبود. باید تأکید کنم که شرافت زمان و موضوع،



ارتباطات فردی، وقتی قرآن را ترجمه می‌کنیم، وقتی قرآن را تفسیر می‌کنیم، به همین ترتیب، اگر ادامه بدهیم، جایگاهی که قرآن در شکل‌گیری علوم انسانی دارد و فراتر از آن در علوم دیگر مثل نجوم، ریاضیات در طول تاریخ اسلام داشته، برای ما روشن می‌کند که می‌شود به چه موضوعات گسترده‌ای بر اساس مطالعه قرآن پرداخت. از این رو، قرآن می‌تواند موضوع مطالعه پیوندهای فرهنگی باشد. در مرحله اول، به دلیل ارتباطی که بین مسلمانان برقرار کرده است و در مرحله بعد، به دلیل تأثیری که بر فرهنگ‌های دیگر گذاشته است، راهی برای مطالعه پیوندهای فرهنگی با جوامع دیگر به صورت تاریخی و معاصر است.

با توجه به این رویکرد و این گستردگی، می‌توانم این انتظار را از اعضای محترم جلسه داشته باشم و خواهش کنم که نقطه آغازی بر یک سیر مطالعاتی بر محور قرآن طراحی بکنند، یعنی جلسه‌ما زمینه‌سنجی و چهره‌گشایی از شبکه‌ای از ارتباطات فرهنگی باشد که گوشه‌ای از آن را من عرض می‌کنم.

امسال در کنار نمایشگاه قرآن شاهد ظهور هنرهای مفهومی مبتنی بر قرآن بودیم که خود آن هم دنیای جدیدی است که باب بی‌انتهایی را از امکان ارتباط با دیگران از طریق وحی و عرضه هنر فراهم می‌کند. الحمدلله مذهب اهل بیت، علیهم‌السلام، به ما این امکان را داده است که بتوانیم از قرآن بسیار فراتر از ابعاد محدود سنتی استفاده بکنیم. وجود اهل بیت، علیهم‌السلام، در مقام راهنما و رابط بین انسان‌ها و عالم وحسی به ما این امکان را می‌دهد که انتظارات بیش‌تری از مطالعات قرآنی داشته باشیم.

این مقدمه را من فقط به منزله یک چشم‌انداز عرض کردم که ظرفیت مطالعات قرآن و پیوندهای فرهنگی بسیار گسترده است. خوشبختانه، به علت این‌که ایرانیان و مسلمانان ایرانی در طول تاریخ نقشی محوری در بسیاری از این مباحث داشتند و آغازگر بسیاری از این مباحث بودند،

می‌توانیم مدعی این مباحث باشیم و این راه را نه تنها با دانشمندان ایرانی که با حضور دانشمندان خارجی با هم ادامه دهیم.»

پس از سخنرانی آقای محمدعلی شماعی، استاد کامران فانی، عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی سخنرانی خود را آغاز کرد. وی گفت «انسان در کل هستی موجودی یگانه است، یعنی تنهاگونه جاننداری است که فرهنگ دارد. ویژگی‌های ظاهری انسان را با موجودات دیگر مقایسه کرده‌اند و پی برده‌اند که انسان چند ویژگی جسمانی مهم دارد؛ نخست این‌که راست قامت است. انسان چون پا دو پا راه می‌رود، دو دستش آزاد است که خیلی مهم است. انگشت شست انسان درست مقابل انگشت سیاه قرار گرفته است، پس انسان می‌تواند به دقت اشیاء را بگیرد. هیچ جاننداری چنین ویژگی جسمانی ندارد. ویژگی‌های دیگری هم هست. دید سه‌بُعدی دارد که خیلی خوب می‌تواند فواصل را تشخیص بدهد. این امر، باعث ابزارسازی شده است اما مهم‌ترین ویژگی انسان، ویژگی نمادسازی است که آقای شماعی آن را اسم‌گذاری نامیده‌اند. ایشان کتابی دارند درباره مفاهیم فرهنگی و ارتباط فرهنگی. لغت فرنگی آن سمبولیسم (Symbolism) است. سمبول، نمادسازی است. نمادسازی همان جعل اسما است که قدمای ما می‌گفتند و این ویژگی در واقع، موجب فرهنگ‌سازی است.

مقدمه من زیاد درباره خود قرآن نیست چون دو سخنرانی در این حوزه داریم. من کلیاتی راجع به فرهنگ و پیوندهای فرهنگی خواهم گفت.

انسان تنها موجودی است که فرهنگ دارد. تعریف فرهنگ بسیار مشکل است. شاید ده‌ها و صدها تعریف مختلف از فرهنگ شده است. اولین مسأله، تعریف خود لغت فرهنگ است. برای من مسأله بود که چرا به کتاب‌های لغت، به واژه‌نامه‌ها، فرهنگ می‌گویند؟ این واژه در ایران ساخته نشده است. به این معنای جدید در هند ساخته شده است. در هند اولین لغت‌نامه‌هایی که به فارسی نوشتند،

اهمیت ویژه‌ای در انتخاب نقطه آغاز داشت. تصور من این است که پایان آن هم باید ناظر بر نقطه آغاز آن باشد و این، اهمیت فراوانی از نظر جایگاه قرآن و تأثیر آن بر پیوندهای فرهنگی، چه در ابعاد خرد و چه در ابعاد کلان، دارد. امروزه در دنیا نه تنها در سطح سیاست‌های ملی بلکه در سطح ارتباطات بین‌المللی، نقش فرهنگ روز به روز در حال افزایش است. این امر به فرهنگ جایگاهی فراتر از جایگاه سنتی آن می‌دهد و تأثیرگذاری آن را در سطح جهانی پیش‌تر می‌کند. در این میان، نقش مذهب به منزله یکی از ارکان تشکیل‌دهنده فرهنگ، چه در جوامع سنتی و چه در جوامع صنعتی، روز به روز افزایش می‌یابد. از این رو، باید به مذهب و نقش آن توجهی عالمانه و دقیق بکنیم.

آنچه ما از قرآن و برکات آن به منزله جوهر فرهنگ اسلامی باید انتظار داشته باشیم، بازشناسی جایگاه قرآن در ابعاد مختلف است. از آن لحظه‌ای که قرآن را حتی فقط به صورت یک کتاب ورق می‌زنیم، خط و کتابت آن، تذهیب و زیباسازی آن (در طول تاریخ ایرانیان نقش به‌سزایی در زیباسازی قرآن داشته‌اند)، حرکات‌های اجتماعی که از قرآن نشأت گرفته و می‌تواند بگیرد، تأثیر آن بر

فرهنگ نام گذاشتند. ما خودمان آن موقع «لغت» می‌گفتیم. «لغت فارس» قدیمی‌ترین کتاب فرهنگ فارسی است.

وقتی زبان فارسی و در کنار آن فرهنگ ایرانی وارد شبه‌قاره شد و شبه‌قاره به منزله یک فرهنگ والا یا یک تمدن با آن روبه‌رو شد، فکر می‌کردند که اگر کسی با واژگان فارسی یا واژگان عربی که در زبان فارسی استفاده می‌شد آشنا باشد، صاحب فرهنگ می‌شود. از این رو، این کتاب‌ها فرهنگ نام گرفتند. در اوایل دوره قاجار این واژه را گرفتیم. برای واژه‌نامه به عربی معجم یا قاموس و برای خودمان هم لغت فرهنگ را ساختیم اما معنای اصلی فرهنگ چیست؟ فرهنگ از زبان پهلوی گرفته و از «فر» و «هنگ» ساخته شده است.

فر همان فره است. فره بارقه الهی یا ایزدی است که در وجود هر انسانی هست و معمولاً در وجود افراد برجسته جامعه به‌خصوص حاکم آن جامعه برجستگی و جلوه بیش‌تری پیدا می‌کند. هر کسی صاحب این فر یا فره ایزدی می‌شود، رهبریت جامعه را می‌یافت.

هنگ هم از هنجیدن یعنی بیرون کشیدن است. مقصود از فرهنگ این است که شما بدانید آن فره ایزدی را که باعث والا‌یی و شکوفایی انسان می‌شود، می‌توانیم کسب کنیم. لغت فرهنگ را در زبان عربی ادب گفتند. که همان مجموعه رفتار والا و قابل ستایش انسانی است.

معنای جامعه‌شناسی فرهنگ نیز رفتار ویژه بشر است، یعنی همان‌طور که گفتیم، فرهنگ فقط خاص بشر است و هیچ موجود دیگری صاحب فرهنگ نیست.

پس از پایان سخنرانی آقای کامران فانی، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی سخنرانی خود را آغاز کرد. وی گفت «بسم‌الله الرحمن الرحیم». به نام خالق قرآن خداوند که پیغامش جهانی نو پی افکند. ۵۵ کشور از ۱۷۰ - ۱۶۰ کشور جهان، امروز کشور اسلامی است و از هر پنج تا شش انسان امروزی یک نفر مسلمان است. دین اسلام مذهب رسمی آن‌ها به شمار می‌رود. بیست



زبان به خط عربی نوشته می‌شود و بعد از خط لاتین هیچ خطی نیست که این همه زبان به آن نوشته شود. فارسی، کردی، ترکی قبل از عثمانی، پشتو، نیز خطوطی هستند که برای مطالعه آن‌ها می‌توانید به مقاله خط در دانش‌نامه قرآن، چاپ هلند که به زبان انگلیسی منتشر شده است، مراجعه بفرمایید.

آقای فانی چند وجه از وجوه پیوندهای فرهنگی بین کشورهای اسلامی را برشمردند. یک وجه، هنر است که در ذیل آن کتابت قرار می‌گیرد و سپس تنوع خطوط مطرح می‌شود. انواع نگرش‌ها و اقلام نیز وجود دارند. قرآن‌هایی داریم که به غیر از صورت کتبی عادی، کتابت شده‌اند، از جمله: قرآن منبت‌کاری شده، بر شیشه نوشته شده، بافته شده به صورت قالیچه یا هر نسج و دستی یا صنایع دستی به شمار می‌روند و نفوذ قرآن را نشان می‌دهد و هنوز هم که نمایشگاه قرآن تمام نشده، می‌توانید بخشی از این‌ها را ملاحظه کنید. فرمودند زبان عامل وحدت‌بخش است. زبان یکی از مهم‌ترین نمادین‌سازی‌های انسان است و خط هم نماد دوم است، یعنی زبان که نماد جانشین اشیا می‌شود، خط هم جانشین زبان می‌شود. وقتی ما می‌گوییم تبر، لزومی ندارد که تبر در حضور ما باشد و این انقلابی است که فکر کردن را ممکن ساخته است. «علمه‌البیان، خلق الانسان» که در قرآن آمده است یا «علم بالقلم» این موارد بسیار اهمیت دارد.

من تصور می‌کردم که مقاله‌ای که آقای ابوزید در دانش‌نامه قرآن نوشته است، فقط به مصر پرداخته ولی با مراجعه مجدد دیدم

که تقریباً به همه جهان اسلام پرداخته، لکن تأکیدش بر مصر است. بعد دیدم که چه قدر فرهنگ‌های عامه در کشورهای اسلامی به هم شباهت دارند. همین «بسم‌الله الرحمن الرحیم» را در نظر بگیرید. همان‌طور که در دهخدا آمده است، چهارده تن از شعرای ما، چهارده منظومه سروده‌اند که با «بسم‌الله الرحمن الرحیم» شروع شده است. مثل:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
هست کلید در گنج حکیم

بسم‌الله الرحمن الرحیم حدیث مهمی است برای آغاز گفته‌ها و سخنرانی‌ها یا شروع کارهای مهم. بسم‌الله به عنوان تعارف، بسم‌الله اگر حریف مایی و نوای بی‌نویی، بسم‌الله برای ذبح و حلال شدن ذبح و ذبیحه قربانی ضرورت دارد و در همه مذاهب اسلامی هست. حالا بحث مفصلی هم به عنوان ذبیحه اهل کتاب که بسم‌الله نمی‌گویند، مطرح شده است. باری، بسم‌الله الرحمن الرحیم در همه کشورهای اسلامی دارای چندین گونه یا زمینه و سیاق و کاربرد است. «الحمد لله رب العالمین» که در احوال‌پرسی‌ها به کار می‌رود. اتفاقاً این نکته برای من جالب بود که وقتی کسی هم حالش خوب نیست باز هم می‌گوید الحمد لله. آقای ابوزید تأکید کرده‌اند که می‌پرسیم حالت چه طور است؟ می‌گوید الحمد لله، چون دارد می‌گوید الحمد لله، حمد خدا کنید. الحمد لله علی کلها.

امروزه، نوارها و سی‌دی‌های خوش‌خوانی موجود است. در حال حاضر، من نرم‌افزار و سخت‌افزاری را دیدم که به اندازه یک چهارم حجم این ضبط صوتی که در مقابل من قرار دارد بود که آیات قرآن بر روی ماینیتور مشاهده می‌شد و صدا هم تحریف نمی‌شد. بسیار خوش صدا قرآن هم خوانده می‌شد. این برنامه را سال گذشته یکی از دوستان از نمایشگاه تهیه کرده بود. حالا اگر بخواهیم درباره نرم‌افزارهای قرآنی صحبت کنیم، در یک مقاله مفصل باید بگوییم که نرم‌افزارهای قرآنی چند نوع هستند و چه کارهایی انجام می‌دهند. از جستجوگرهای واژه‌یاب گرفته تا موضوع‌یاب و خوش‌خوان و شخصی هم

که مانیتور داشته باشد خوش‌نویسی را هم نشان می‌دهد. آقای ابوزید می‌گوید که در اغلب خودروهای مصری روی شیشه جلو یا شیشه عقب دیده می‌شود که یک مصحف برای حرز گذاشته شده است. این مسأله در ایران کم‌تر به چشم می‌خورد، یعنی آیات قرآنی داریم اما من آنچه که ایشان درباره مصر گفته‌اند، کم‌تر دیده‌ام که در ایران هم باشد.

در این باره مطالب بسیار است و من حدود صد و پنجاه صفحه درباره زندگی روزمره مسلمانان یا فرهنگ عامه آن‌ها و قرآن مطلب نوشته‌ام. مثلاً ختم قرآن، تعلیم قرآن، آموزش قرآن که در بیش‌تر جهان اسلام از سنین خردسالی، یعنی پنج یا شش سالگی در مکتب‌خانه یا مهد قرآن‌ها یا مهدکودک‌های قرآنی و غیرقرآنی آغاز می‌شود. آقای ابوزید می‌نویسد که بسیاری از افراد برای حفظ قرآن از سن ۱۲-۱۰ سالگی یا سوره‌های کوچک و عم‌جزء و از سمت چپ قرآن شروع می‌کنند تا به سمت سوره بقره می‌رسند. یک روایت شنیدم که صد هزار حافظ قرآن در لیبی وجود دارد.

آقای دکتر سیدمحمد مهدی جعفری در سفری که به لیبی داشتند، فرمودند که همه این حافظان قرآن شهادت‌نامه و گواهی‌نامه‌ای دارند که به آن‌ها مزایای قانونی تعلق می‌گیرد که مجلس ما هم قرار بود برای حافظ قرآن یک چنین مزیتی قائل بشود. آیا می‌دانید که ختم قرآن چه معنی دارد؟ یک معنی آن یک دور خواندن و ختم کردن آن است، حالا سی جزء یا صد و بیست حزب یا سی پاره. یک معنی دیگر، یعنی کسی که قرآن را ختم کرده و در یک مهد یا مکتبی برای او مجلسی برپا کردند که در این مجلس باز صد و بیست پاره‌ها را بسین حضار تقسیم می‌کنند و موجب می‌شوند که یک دور بلکه دو دور خوانده بشود. در این جا مشکلی که به چشم می‌خورد این است که آیا می‌شود در حالی که قرآن خوانده می‌شود، قرآن خواند یا نه. من این را روا نمی‌دانم و مقاله‌ای هم تحت عنوان «قرآن خواندن در میان همه» نوشته‌ام. ختم قرآن معنی دیگری نیز دارد که

معنی دعایی است. ختم «انعام» و «امن یجیب» که از همه مشهورتر است و آدابی دارد و دعاهایی غیر از ادعاهای قرآنی هم دارد. ختم «امن یجیب» ختم آسان‌تری است و در پایان نمازهای جماعت معمولاً برای یک صاحب حاجتی، انسان در مانده‌ای یا بیماری طلب می‌شود که هفت یا یازده یا دست کم پنج بار کُل جمعیت نمازگزار «امن یجیب مضطر اذا دعا و یکشف السوء» را می‌خوانند.

مسابقات قرائت قرآن هم برگزار می‌شود. ایرانی‌ها با این‌که نمی‌توانند ص، ض، ع و خیلی از حروف عربی و آواهای عربی را ادا بکنند ولی می‌بینیم که به مقام اول می‌رسند و در این موارد پارتی‌بازی هم نیست زیرا عرب‌ها اصلاً با قرآن و مسائل قرآنی و مسلمانان عرب شوخی نمی‌کنند. همه ما بسیار دعاهای قرآنی می‌دانیم، بدون آن‌که حساب کرده باشیم. ضرب‌المثل‌های قرآنی چه بسیار بین ما پیوند برقرار می‌کند. «ضعفوا طالب و المطلوب» یا «ولا تکنوا کالذی نقضت غزلها من بعد قوة»^۱ نظیر این موارد فراوان است. در سر در

بالای سر انسانی که در حال احتضار است قرآن حاضر می‌کنند. اگر خودش اهل معرفت باشد، می‌گوید که برای من قرآن بخوانید و اگر خیلی‌ها نتوانند مراسم کفن و دفن را در روز انجام بدهند و به روز بعد موکول شود، یک قاری تا طلوع آفتاب قرآن می‌خواند و قرآن را بر سینه او و روی ملافه یا پارچه تمیزی که بر پیکرش کشیده‌اند، قرار می‌دهند.

مسأله بعدی، استیجاری خواندن قرآن است که فقها به آن رأی داده‌اند. البته بعضی از اهل سنت مخالف آن هستند و معتقدند که وقتی انسان بمیرد، پرونده او بسته می‌شود اما معتقدیم که صدقه جاریه داریم، خلف صدق داریم، دعای خیر فرزند، بنای خیر، موقوفات و خیرات همه ثواب این‌ها به روح بنیان‌گذار آن یا صاحب مال یا واقف آن می‌رسد. در مورد به جا آوردن نمازهای قضای کسی یا حج نرفته کسی یا قرآن‌های نخوانده کسی، صحبت نکردم. یک بحث بسیار مفصلی بود که اصلاً شروع نکردم که آیا اصلاً خواندن قرآن واجب است یا نه. در این زمینه اختلاف آرا بسیار است.



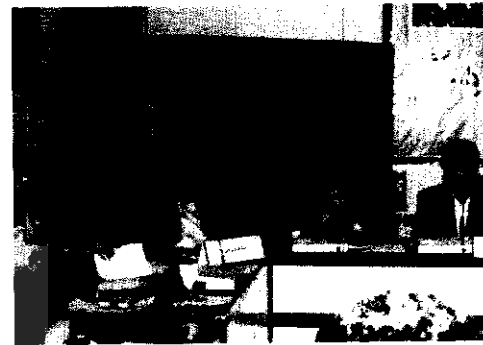
آقای ابوزید درباره تشییع جنازه نوشته‌اند که در مصر قرآن می‌خوانند و این مسأله در ایران هم اجرا می‌شود. غیر از این‌که به عزت و شرف لاله‌الله هم گفته می‌شود، نوار قرآنی هم گذاشته می‌شود. بر روی خیلی از سنگ قبرها آیه قرآنی نوشته می‌شود و این رسم دارد منسوخ می‌شود. به گمان من بهتر است که منسوخ بشود زیرا در محل تردد انسان‌ها است و آیات قرآنی پایمال می‌شود و با ادب شرعی مغایرت دارد. اگر بر مقبره یا بر دیوار باشد، اشکالی

خانه‌ها «هذا من فضل ربی» نوشته می‌شود «قد دخلوها به سلام آمین».

مورد دیگر، حلقه یاسین است که در پارچه‌های کتان یا هر پارچه دیگر، قرآن یا سوره یاسین در یک حلقه مانند نوشته می‌شود و بچه‌ها را از میان آن می‌گذرانند و با پیراهن قرآن که معروف است شاه اسماعیل پیراهنی داشته که همه قرآن بر آن نوشته شده بود و احتمالاً چند لایه بوده و همیشه در جنگ زیر زره خود می‌پوشید. از تولد شروع کردم و به وفات رسیدم.

ندارد. در مورد کتیبه‌نویسی چیزی نگفته‌ام که چه قدر کتیبه‌ها به چه خطوط مهمی از اقلام هشت نه‌گانه هنری اسلامی و ایرانی نوشته می‌شود.

باری، از جنین تا جنان، زندگی مسلمان ایرانی و غیرایرانی همان پنجاه و پنج کشور مسلمان، از خفتن تا برخاستن با دعا‌های قرآنی است و در حال استیصال نیز با



دعا‌های قرآنی همراه می‌شود. احوال‌پرسی آن‌ها با کلمات قرآنی است و نفوذ کلمات قرآنی در زبان و ادب این کشورها احصا ناپذیر است و نوشتن در حدّ یک کتاب برای هر زبان ضرورت دارد که البته کمابیش هم نوشته شده است.»

حجت‌السلام والمسلمین آقای طارمی آخرین سخنران میزگرد قرآن و پیوندهای فرهنگی بود. وی گفت «شکل‌گیری علوم در دوره اسلامی یا به تعبیر درست قرآن، انتقال علوم به عنوان یکی از نمونه‌های تعالی فرهنگی، بحثی است که به بنده اجازه کرده‌اند. تقریباً همه این مسأله را قبول دارند که در اواخر قرن دوم و نیز در قرن سوم و چهارم حادثه عظیمی در عالم اسلام رخ داد که از حیث گستردگی و تأثیرگذاری بسیار شگفت‌انگیز بود و آن انتقال علوم به عالم اسلام است.

من عبارتی را از آقای گوتاس، در کتابی به نام «تفکر فرهنگی یونانی - عربی» که ناظر به این شگفتی است، می‌خوانم. ایشان می‌گویند که نهضت ترجمه نمایان‌گر دستاورد حیرت‌انگیزی است که مستقل از اهمیت آن، بعید است که آن را بتوان جز به صورت پدیداری اجتماعی درک و تجزیه کرد. اولاً حاشیه‌ای نبود، یک اتفاق جدی

در متن زندگی همه مسلمانان بود. ثانیاً نخبگان جامعه اسلامی، چه نخبگان به معنی سیاستمداران و دولتمداران و چه به عنوان افرادی که از مکنت‌ها و توانایی‌های مالی و نفوذ کلام برخوردار بودند، در آن شرکت داشتند. ثالثاً بسیار پرهزینه بود. کاری نبود که یک نفر بر اساس علاقه شخصی خودش وارد این فعالیت بشود و رابعاً با روش‌شناسی دانشورانه و دقت لغوی هدایت می‌شد. در جای دیگری اضافه می‌کند که حامیان این جریان از هر صنفی بودند و این مسأله برای موضوع بحث ما که پیوند فرهنگی است، اهمیت دارد، یعنی از این زاویه به عرب و غیرعرب، مسلمان و غیرمسلمان، سنی و شیعه و غیره نگاه می‌کنند.

نحوه حمایت هم متفاوت بود. گاه به صورت تأسیس از کتاب‌خانه‌ها بوده، گاه کتاب‌ها از کشورهای دیگر منتقل می‌شد و دانشمندان برای ترجمه به خدمت گرفته می‌شدند. من ابتدا این موضوع را به همراه چند مطلب جدا از هم، پشت سرهم عرض می‌کنم و بعد بین مطالب پیوندی برقرار می‌کنم.

اولاً بد نیست که در بحث انتقال به این نکته توجه کنیم که بخشی از علوم که ما از انتقال آن صحبت می‌کنیم، متعلق به عالم اسلام است، یعنی به نومسلمانان تعلق داشته، یعنی ایران که اسلام را پذیرفته و نیز شامات که اسلام را پذیرفتند، خودشان هم علمی داشتند. البته اگر فرصتی بود، عرض می‌کنم که بسیاری از منابع ایرانی هم ترجمه شده بود، این مطلب را از این نظر عرض می‌کنم که معمولاً در ذهن‌ها مشهور است که آنچه ترجمه شده انتقال علوم یونانی بود. عنوان کتاب آقای گوتاس هم همین است ولی در این عنوان یک مقدار مسامحه است، گرچه بخش عمده‌ای از علوم یونانی بوده، اما از یونانی انتخاب شده است که از جمله می‌توان به یونانی سریانی شده یا مسیحی شده اشاره کرد. باید به این موارد توجه کرد، ضمن این‌که در مورد خود این علوم یونانی هم نظریه بسیار مهمی مطرح شده که این علوم هم خاستگاه

ایرانی داشته‌اند، یعنی اسکندر این علوم را که در واقع ریشه در اوستا داشته، بنا بر نظریه‌ای به ایران منتقل کرده بود و این انتقال هم قابل توجه است.

در هر صورت، علمی که به عالم اسلام منتقل شده، برخی از آن به همان معنایی که عرض کردم به نومسلمانان تعلق داشته و بخشی از آن به خارج از جهان اسلام، یعنی از زبان‌های سریانی، یونانی، هندی و غیره منتقل شده است.

درباره انگیزه‌ها و عوامل، مطالب بسیاری گفته شد که من به ناگزیر باید فهرستی ارائه کنم تا به آن بحث خودم برسیم. یک نظر این است که یکی از اشتیاق‌های علمی مسیحیان سریانی که هم به زبان یونانی و هم به زبان عربی مسلط بودند، تبدیل کردن متون سریانی یا دیگر متون به زبان عربی بود. حالا تفسیری که از آن در حافظه دارم این است که آقای کولیچ در سخنرانی‌اش که به صورت مقاله‌ای در یک مجموعه سیاسی چاپ شده، توضیح می‌دهد که اساساً وقتی زبان عربی، در منطقه شامات زبان مسلط می‌شود، طبعاً اتفاقی که باید بیفتد این است که سریانی‌ها که استادان علوم بودند، متون علمیشان را به زبان عربی برگردانند تا بتوانند تدریس کنند و آن را منتقل کنند. در واقع، اگر زبان عربی در شامات رشد نمی‌کرد، نیازی نبود که این‌ها علوم را به این زبان ترجمه کنند. آن‌ها کارشان تدریس بود. کما این‌که امروزه ما اگر بخواهیم فرآورده‌های علمیمان را در یک پیوندی با دنیای علم عرضه کنیم، باید زبان انگلیسی را که زبان مقبول و رایج جهانی است بپذیریم.

امروزه اروپاییان این مسأله را پذیرفته‌اند، یعنی یک زمانی آلمانی‌ها و فرانسویان مخالفت و مقاومت می‌کردند ولی حالا می‌بینند که اگر بخواهند کتاب‌های دانشمندان آلمانی بهتر منتشر بشود باید به انگلیسی هم بنویسند. این نظریه بسیار خوبی است و عرض کردم که آقای کولیچ در این باب سخنرانی دارد که به صورت مقاله‌ای منتشر شده است.

یک نظریه هم از علاقه برخی از

حاکمان عباسی می‌گویند، به خصوص از عباسیان و امویان نامبرده می‌شود. از خالد نوه معاویه نیز نام می‌برند که به کیمیا و مواردی مشابه این علاقه داشت اما در مورد منصور و هارون. بیش از مأمون، این مسأله مطرح است که به این زمینه علاقه زیادی داشتند. مأمون با انتقال بسیاری از کتاب‌ها، آن‌ها را گردآوری کرد زیرا یکی از



کارکردهای بیت‌الحکمه همان کتاب‌خانه بود. سوم این‌که می‌گویند عامل این ماجرا اصلاً خواب مأمون بود و نقل می‌کنند که مأمون خوابی دید که علی‌القاعده باید ساختگی باشد ولی داستان این خواب مهم است و می‌گویند که ارسطو را در خواب دید و ارسطو به او فهماند که علم و دین یک هم‌خوانی دارند و بهتر است به دنبال علم بروید و عامل انتشار علم در جهان اسلام باشد. از این رو، او نماینده‌ای فرستاد و داستان‌هایی که بعضی‌ها شنیده‌اند و اگر هم دوستان نشنیده باشند، در همین جا عرض می‌کنم که این کتاب آقای گوتاس یکی از بهترین کتاب‌ها در زمینه داستان ترجمه علوم در دوره جدید به شمار می‌رود. البته قبلاً کتاب‌های دیگری بود و مرحوم دکتر صفا هم کتابی با همین عنوان یا به تقلید از این عنوان دارد.

آقای احمد هاشمی هم مقاله بسیار ارزشمندی در «دانش‌نامه جهان اسلام»، تحت عنوان «ترجمه» دارد که سیر ترجمه را بیان کرده است. مقاله بسیار استادانه و فاضلانه نوشته شده است. اشارات آماری و اطلاعاتی من هم بیش‌تر به این دو کتاب است.

پس از آن‌که عرب‌های مسلمان، تفوق

عرب بر عجم را مطرح کردند، واکنش‌های متفاوت فرهنگی - اجتماعی ایجاد شد و شعوبی‌گری که صورت خشن مقابله با این جریان عرب‌گرایی بود، به شکل‌های مختلف بروز کرد، مثل ترجمه کتاب‌های ایرانی‌ها که معروف‌ترین آن‌ها «کلیله و دمنه» است. ترجمه‌های «خدای نامه‌ها» و «فرس‌نامه‌ها» نیز از آن جمله‌اند و بسیاری



معتقدند که به همین دلیل بوده است. البته نمونه بارز آن همان «کلیله و دمنه» است که عرض کردم و در بحث بعدی بیش‌تر به این نکته خواهم پرداخت. نظر دیگری که شواهدی هم برای تأیید دارد، این است که عده‌ای نیز می‌خواستند که در مقابل، آثار علمی مخالف دین را بیش‌تر تحت عنوان فلسفه ترجمه کنند. در آثار علمای محدثان عنوانی داریم که متأسفانه اثری از آن‌ها به جای نمانده است، مثل «الرؤ علی الفلاسفه» که نویسنده آن فضل‌بن شاذان است.

به نگاهی دیگر، فرهنگ، یعنی مجموعه رفتار انسان. اگر از این زاویه بنگریم، باید بگوییم که قرآن معتقد به یک دگرگونی فرهنگی است، یعنی نیامده است که مجموعه رفتارهای فرهنگی را تأیید کند چون بحث پیوندهاست، طبعاً گزینشی عمل کرده است. مبانی گزینش قرآن چیزی جز توحید نیست. اگر ملاحظه فرمایید، در تمام مواردی که قرآن از فرهنگ جاهلی می‌گوید، یعنی فرهنگ برخاسته از فکر و ذهن جاهلی، تمام مسائل به فاصله گرفتن از توحید بازمی‌گردد. با هر نوع رفتار فرهنگی در عرصه زندگی و در رفتار عامیانه. اگر تطبیق را نقض می‌کند، به دلیل این است که تطبیق گونه‌ای دخالت دادن

عناصر غیراوادای است در زندگی انسان. اگر ما را از انواع برحذر می‌دارد، برای این است مبادا فکر کنیم که بارش باران به طلوع و غروب ستارگان بازگشت می‌کند. برای این است که این‌ها نگاه استدلالی داشتند. اگر از میته بازمی‌دارد، برای این است که بر میته اسم خدا جاری نشده است. اگر از خمر بازمی‌دارد، به دلیل این است که رجس است و خاستگاه شیطانی دارد. می‌خواهم تأکید کنم که در واقع اگر ما بخواهیم ارتدوکسی اسلامی را تعریف کنیم، تعبیری که گوتزی هر کرده - چون به همین موضوع مربوط می‌شود، من این تعبیر را به کار بردم - و بنا به گزارشی که آقای گوتاس داده است، مقاله‌ای نوشته و گفته است که ارتدوکسی اسلامی با انتقال علوم مخالف بود، یعنی مسلمانان راستین نمی‌خواستند علوم منتقل شود. ایشان آن را نقد کرده‌اند و می‌گویند این حرف غلط است. بنده می‌خواهم عرض کنم که اساساً تنها آموزه ثابت غیرقابل انکاری که مبنای همه تغییرات فرهنگی است، چیزی است به نام توحید. پیامبری اسلام هم در همین سیاق معنا پیدا می‌کند و نه چیزی دیگر. برگردیم به موضوع انتقال علوم.

تا آن‌جا که بنده دیده‌ام، کسانی که با انتقال علوم احیاناً مخالفت نمی‌کردند، تنها تعبیری که از آن‌ها نقل شده، این بوده که می‌گفتند هر چیزی که بخواهیم، در کتاب خدا هست. اگر در کتاب خدا هست، برای ما کافی است و اگر نیست، برای چه چیز دیگری بیاوریم، چون کتاب خدا همه چیز دارد. این تعبیر بدون این‌که مستند قرآنی داشته باشد، تعبیری است که در مورد انتقال علوم مطرح می‌شد. در برابر این، دانشمندانی بودند که به لزوم انتقال علوم اشاره کرده‌اند. من به دو نفر از قدما اشاره می‌کنم و به دوره جدید می‌پردازم؛ یکی ابوالحسن عامری، فیلسوف قرن چهارم و دیگری ابوریحان بیرونی. هر دوی اینان به یک آیه قرآنی استناد می‌کنند «فبشر عبادالذین یستمعون القول و یتابعون احسنه» می‌گویند که این آیه قرآنی به ما می‌گوید که هر چیز خوبی را فرا بگیرید. این



گزارش معرفی کتاب رباعیات خیام به زبان رومانیایی

سید عبدالله اکبر

شرح گزارش

جناب آقای فزازی، سفیر جمهوری اسلامی ایران ضمن تشکر از مسئولین شرکت پتروکونسولت برای برگزاری مراسم معرفی رباعیات خیام، از آقای جتو اولتانو نیز برای ترجمه این اثر گران بها به زبان رومانیایی تقدیر کرد. جناب آقای فزازی با طرح این سؤال که چرا آقای اولتانو به عنوان یک مهندس، آثار ادبی و به ویژه کتاب رباعیات خیام را ترجمه کرده است، پاسخ داد: «بخش‌های زیادی از مردم رومانی به مسائل فرهنگی علاقه‌مند بوده و در این زمینه ذوق و استعداد فراوانی دارند. رومانیایی‌ها از زندگی خوب، درک واقعی دارند و اولتانو یکی از نمونه‌های رومانیایی‌های فهمیده است.» ایشان در ادامه سخنان خود افزودند: «اگر ما در خصوص مسائل اقتصادی گفت‌وگو کنیم، ممکن است این موضوع پایدار نبوده و در هر لحظه تغییر کند، چراکه مسائل اقتصادی مربوط به شرایط کنونی ماست، در حالی که مسائل

مقدمه

در چهارچوب برنامه‌های فرهنگی این نمایندگی و معرفی همه‌جانبه شعرا و اندیشمندان نام‌دار کشورمان، مراسمی به منظور ترجمه کتاب غزلیات خیام به زبان رومانیایی و تجلیل از آقای جتو اولتانو، مترجم این اثر که سابقاً به عنوان مهندس پتروشیمی در شهر شیراز مشغول به کار بوده، در سالن اجتماعات شرکت نفتی پتروکونسولت در شهر پلویشت برگزار شد. این مراسم که بیش از صد نفر از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و دانشگاهی در آن شرکت داشتند، از سوی محافل مطبوعاتی محلی بسیار مورد توجه قرار گرفت.

جناب آقای فزازی به عنوان اولین سخنران همایش به تشریح دیدگاه‌های فلسفی خیام پرداخت و پیرو آن، آقای اولتانو و نیز سه نفر از اساتید دانشگاهی به ابعاد مختلف شخصیت علمی خیام از نقطه نظر فلسفی، علمی و ادبی پرداختند.

آیه که به نظر می‌رسد در دوره جدید و دوره سیمپتره لیبرالیسم از آن استفاده می‌کنیم هم در نوشته ابوالحسن عامری استفاده شده هم ابوریحان بیرونی و هر دو به آن استناد کرده‌اند. ابوریحان تأکید می‌کند که بعضی‌ها از اسم‌های یونانی‌گریزانند. فکر می‌کنند یونانی ضد تلقی دینی است، در حالی که این‌ها اسم هستند و منعی ندارند. به برخی احادیث نبوی هم باز از این زاویه نگریسته می‌شود که «دانش‌ها بسیارند و هر چه می‌توانید فرابگیرید.» من از آن طرف مستند معین حدیثی قرآنی ندیده‌ام.

به خلیفه دوم گزارش دادند که تعدادی کتاب پیدا کرده‌ایم، با آن‌ها چه کنیم؟ خلیفه پاسخ داد که اگر مطالب آن‌ها در قرآن هست که هست، اگر نیست همه را آتش بزنید. اگر این گزارش درست باشد، گفته او کلی است اما از این سو به قرآن استناد شده است و با توجه به مقدمه‌ای که عرض کردم، گستردگی شگفت انتقال علوم که همه در آن اتفاق نظر دارند، با توجه به جایگاهی که قرآن دارد، نمی‌تواند جز خاستگاه قرآنی، خاستگاه دیگری داشته باشد.

پس از پایان سخنرانی استاد طارمی، حضار به پرسش و پاسخ با سخنرانان پرداختند. یادآوری می‌شود جلسات و میزگردهای پیوندهای فرهنگی بر اساس اعلام دست‌اندرکاران معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنان ادامه خواهد یافت.

پی‌نوشت:

۱. آیه ۳۱ سوره بقره.

2. Cultural Pluralism

۳. سوره نحل، آیه ۹۲.

علی اکبر حاج مؤمنی